

سحق من حسن لوید

تاریخ شهر بنو و از گاهای دیگر

تألیف

رضا تائشیری



انتشارات فرح سخن

سرشناسه	: تأثیری، رضا، ۱۳۱۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: شهر من بیهین یورد: تاریخ شهر بجنورد از نگاهی دیگر / رضا تأثیری.
مشخصات نشر	: بجنورد: درج سخن، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۳۰۲ ص.
شابک	: 978-600-94076-6-8
نوع و جنسیت نویسی	: فیبا
موضوع	: بجنورد - تاریخ
ردیفی کنگره	: ۱۳۹۳ ج ۲ / ۸ / ۷۵ DSR۲۰۷۵
ردیف پند	: ۹۵۵/۸۲
شماره کتابخانه ملی	: ۳۴۶۶۷۱۴

شهر من بیهین یورد از نگاهی دیگر

خوشنویسی: سید رستمی بجنوردی
طراحی جلد: گروه مشاوران تبلیغات سیبا
چاپ مهر

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳ - قیمت: ۱۰۰ هزار تومان



انتشارات درج سخن

Dorjesokhan@gmail.com

۰۹۳۳۱۸۴۲۵۴۸ و ۰۹۱۵۱۸۴۲۲۴۸

بجنورد، خیابان استقلال، شهید نوریان، پلاک ۱۴، انتشارات درج سخن

مسئولیت محتوایی و سندیت علمی و تاریخی متن کتاب به عهده مؤلف است.

فهرست

۱۵	پیش‌گفتار
۲۲	مقدمه
۲۵	موقعیت استان خراسان شمالی
۲۸	وضعیت طبیعی
۲۸	الف - ارتفاعات
۳۰	ب - رودها
۳۳	ج - جلگه ها
۳۶	محصولات استان
۳۶	مطالعات باستان‌شناختی
۳۸	خراسان شمالی دوره پیش از اسلام
۳۹	خراسان شمالی بعد از اسلام
۴۰	گوک ترک اولین سازمان ترک‌ها در آسیا
۴۱	«تات» ها چه کسانی هستند؟
۴۱	طوایف بزرگ آسیا
۴۴	قوم ترکمن
۴۴	ترکمن و سیر تحول این قوم
۴۵	دوره درخشش ماوراءالنهر
۴۶	تهاجم ترک‌ها به سرزمین چین
۴۷	مناطق قابل سکونت در آسیای میانه
۴۹	ترک‌ها و محل سکونت اولیه آن‌ها
۵۰	مهاجرت گوک ترک‌ها به چین و علت آن
۵۱	وضعیت گوک ترک‌ها در قرن هشتم م.
۵۲	رابطه ترک‌های آسیا با ایرانیان و مسلمان‌ها
۵۴	خصوصیات بعضی از ترک‌ها

۵۵	لهجه‌های مختلف در زبان ترکی
۵۵	تغییرات اساسی در زندگی اوغوزها
۵۶	سرزمین پارت
۵۷	تاریخ اشکانیان روشن نیست
۵۷	اصالت اشکانیان
۵۸	شک (اشک اول) در کجا قیام کرد؟
۶۰	شمال خراسان در اوایل ظهور اسلام
۶۰	اوغوزها به ایران
۶۱	کوچ بزرگ و غزنویان
۶۲	پراکندگی اوغوزها و تشکیل دولت مستقل
۶۴	علت کوچ اوغوزها
۶۵	سلطان محمود و اوغوزها
۶۵	اوغوزها و غزنویان
۶۷	سیاست جغری بیک و جنگ تلخ
۶۸	دلایل شکست غزنویان
۶۹	سکنه خراسان شمالی در قرن پنجم
۷۰	رفتار اوغوزها در ایران
۷۱	وضعیت «اوغوزها» (سلجوقیان) در این دوره
۷۲	خصوصیات اوغوزها (سلجوقیان)
۷۲	قوم قدرتمند کرائیت
۷۳	کرائیت ها و ارتباط آن‌ها با مغول‌ها
۷۴	کرائیت چه کلمه‌ای است؟
۷۵	تغییر دیانت کرائیت ها
۷۶	نظر سرپرسی سایکس در باره مغول
۷۷	رابطه چنگیز با همسایگان
۷۸	دوستی چنگیز خان و اونگخان

۷۹	ترمیم خرابی‌های زمان جنگیز
۷۹	گرایلی‌ها چگونه وارد ایران شدند؟
۸۰	ورود گرایلی‌ها به شمال خراسان
۸۱	مراحلی که سکنه شهر پیموده‌اند
۸۲	پراکندگی کردها
۸۲	نظر مستشرقان در باره کردها
۸۳	کرد و کرمانج
۸۴	اصول و نسب و تاریخ کردها
۸۶	مهاجرت کرمانج‌ها به شمال خراسان
۸۷	حمایت از حدود آنها به طایفه گرایلی
۸۸	علی‌خان گرایلی کیست؟
۸۹	کردهای چمشک در ایران
۹۰	محل اولیه زندگی زعفرانلو
۹۱	ریشه اصلی ترک‌های شهر
۹۱	یک اصطلاح نظامی در دوره صفویه
۹۲	روحیات مردم کرد قوچان
۹۳	رضاقلی‌خان زعفرانلو حاکم قوچان
۹۴	اطلاعاتی در باره قراچورلوها
۹۴	شاه طهماسب دوم و کرمانج‌ها
۹۶	جنگ رضاقلی‌خان با نایب‌السلطنه
۹۷	نگاهی به خراسان بعد از جنگ
۹۸	دوره فترت
۹۹	نظر مورخان
۹۹	شهر نسا در دوره اشکانیان
۱۰۳	وضع راه‌های ایران در زمان قاجار
۱۰۴	راه آهن ماوراء خزر

۱۰۴	راه‌های مواصلاتی خراسان
۱۰۶	وضع تجارت بجنورد و مشهد با عشق‌آباد
۱۰۷	اقدام کنسول انگلیس در مشهد
۱۰۸	ابتدای کار نادر
۱۰۹	پیشرفت نادر در صفحات شمالی خراسان
۱۱۰	فتار نادرست کردها در مقابل نادر
۱۱۱	رضا بجنورد بعد از انقراض صفویه
۱۱۱	اطلاعاتی در باره کرمانج‌ها
۱۱۲	اطلاعات خراسان در دوره کردها
۱۱۲	نهضت و شروط در بجنورد
۱۱۴	افتتاح مجلس شورای ملی
۱۱۵	انتخابات دوره اول مجلس شورای ملی
۱۱۶	تشکیل جلسه انتخاب وین
۱۱۷	اقدامات یارمحمدخان
۱۱۸	عدم تمکین مردم سملقان از حاکم
۱۱۸	سبزعلیخان حاکم سملقان
۱۱۹	فروش مراتع به گله‌داران
۱۲۰	حمله ترکمن‌ها به جاده تهران
۱۲۱	امنیت گله‌داران
۱۲۲	شکار سرگرمی جوانان مرفه در سملقان
۱۲۳	دوره جوانی خانلر در بجنورد
۱۲۴	رفتار انگلیسی‌ها با رضاشاه
۱۲۴	تبعید شادلوها
۱۲۵	بازگشت شادلوها از تبعید
۱۲۵	فعالیت‌های اردشیرخان
۱۲۶	همکاری استاندار با خان‌های محلی

۱۲۷		بروز اختلاف بین دو طایفه ترکمن
۱۲۸		سیاست فرمانده هنگ بجنورد در مراوه تپه
۱۲۸		تغییر وضعیت شهر بجنورد
۱۳۰		تأمین امنیت شهر توسط نیروهای محلی
۱۳۱		تشکیل مجلس مؤسسان
۱۳۱		کارهای سردار در تهران
۱۳۲		تیرورتاش از سردار معزز
۱۳۳		انتقال بیمورتاش از خاندان شادلو
۱۳۳		شورش افسران مشهد بعد از شهریور ۱۳۲۰
۱۳۴		روس با بجنورد
۱۳۴		حاج حسن تاتاری
۱۳۵		عاقبت کار افسران ایرانی
۱۳۵		ریشه قیام افسران ایرانی چه بود؟
۱۳۶		کردهای غرب ایران و کرمانچم
۱۳۶		کرمانچها و مسکن اولیه آنها
۱۳۷		نژاد کردها
۱۳۸		مهاجرت کردهای شقاقی به خراسان
۱۳۹		قرارداد ترکمن‌ها با دولت تزار
۱۴۰		چند حمله ترکمن‌ها به خراسان
۱۴۱		کسب اطلاع سردار معزز از کار روس‌ها
۱۴۲		«الامان» چیست؟
۱۴۳		مشارکت کرد و ترکمن در الامان‌ها
۱۴۴		اسامی ساخلوهای دفاعی بامحمدخان
۱۴۵		فروش دختران جهت پرداخت مالیات تحمیلی
۱۴۶		روستای نردین و چمن کاپوش کجا واقع‌اند
۱۴۶		چمن کاپوش استراحتگاه شاهان

۱۴۸		مشخصات قلعه جلال‌الدین
۱۴۹		طوایف ساکن در جاجرم
۱۴۹		معاریف شهرستان جاجرم
۱۵۰		«بیژن یورت» شهری در جلگه بجنورد
۱۵۱		جلگه‌های سنخواست و شوقان
۱۵۲		قیمت چند قلم اجناس در ۱۳۱۹ ه.ش.
۱۵۳		نام‌الدین‌شاه و یارمحمدخان
۱۵۳		سیمان‌خان پسر یارمحمدخان شادلو
۱۵۵		تیرید ماهی شادلو بهار به بجنورد
۱۵۶		اشتباها خرافاتی بهار
۱۵۶		وسعت سرزمین تحت امر سردار مفخم
۱۵۷		نرخ برخی اقلام ضروری در سال ۱۳۳۶ ش.
۱۵۷		درخواست کمک محمدحسن سر قاجار از تولی‌خان
۱۵۸		گرفتاری جعفرقلی‌خان شادلو
۱۵۸		محمدحسین‌خان نردینی حاکم بجنورد
۱۶۰		اختلاف دولت با جعفرقلی‌خان بیشت
۱۶۰		سرتیپ محمدعلی‌خان ماکویی در بجنورد
۱۶۲		اشتباهاات جعفرقلی‌خان
۱۶۲		عاقبت کار جعفرقلی‌خان و سالار
۱۶۴		بازگشت جعفرقلی‌خان به بجنورد
۱۶۵		جریان روی کار آمدن یارمحمدخان
۱۶۵		یارمحمدخان شادلو و اوضاع بعدی
۱۶۶		آیا دولت از عهده ترکمن‌ها برنمی‌آمد؟
۱۶۸		دستور دولت برای اخذ مالیات از ترکمن‌ها
۱۶۹		شتاب روسیه برای گسترش مستعمرات
۱۶۹		قراردادهای جدید روسیه با ایران

۱۷۰	رفتار والی خراسان با مردم
۱۷۰	موقعیت تجاری قوچان
۱۷۱	قربان سببی شادلو و زعفرانلو
۱۷۱	اشتباه سیاسی سردار معزز
۱۷۲	ترتیب یک «الامان» ساختگی
۱۷۴	احضار سردار معزز به تهران
۱۷۴	فرمان به سهام الدوله بجنوردی
۱۷۵	مسئمت بجنورد تا تهران
۱۷۶	مسئمت‌هایی از جاده بجنورد - تهران
۱۷۶	ملکات ناصرالدین شاه
۱۷۷	علاقه شاه به مسکاک
۱۷۸	شاه از سکنه بجنورد پرسید
۱۷۹	سفر مکه و دقت در باران بیده‌ها
۱۷۹	وضعیت آذربایجان و سایر نقاط قفقاز
۱۸۱	مسافرت سهام الدوله به اروپا
۱۸۲	وضعیت اروپای شرقی
۱۸۲	مسافرت همراهان سردار مخم به منامعظمه
۱۸۳	اولین صندوق تعاونی ایران در بجنورد
۱۸۴	اطلاعاتی درباره تاریخچه بجنورد
۱۸۵	اغتشاش بعد از مرگ حیدرقلی خان
۱۸۵	حاج اعتصام که بود؟
۱۸۶	اعتصام و نقش او در سیاست
۱۸۷	بجنورد در کودتای ۱۳۳۲ ه. ش.
۱۸۸	نمایش کودتای ۲۸ مرداد در بجنورد
۱۹۰	کودتای آمریکایی و نتیجه آن
۱۹۰	یووار در روستاهای بجنورد

۱۹۱	تلگراف سردار به تهران جهت درخواست فشنگ
۱۹۲	تلگراف عبدالحسین فرمانفرما جواب بجنورد
۱۹۲	تلگراف آجودان باشی کل - جواب بجنورد
۱۹۳	ضبط املاک شادلوها توسط جان محمدخان
۱۹۳	روایت تازه در باره سردار معزز
۱۹۴	لجاجت سرتیپ دولو با سردار
۱۹۴	خضار آصف الدوله و سردار معزز به تهران
۱۹۵	تأسیل دادگاه محاکمه متهمین
۲۰۸	محمد علی شاه و مجلس
۲۰۹	نتیجه مساعی دادگاه
۲۱۰	ماجرای «پان» و چندین از نگاهی دیگر
۲۱۱	اقدامات وکیل سردار معزز
۲۱۱	شجره خاندان شادلو
۲۱۵	چند نکته تاریخی
۲۱۵	۱- مشخصه‌های زمان جعفرقی خان
۲۱۶	۲- مشخصه‌های زمان حیدرقلی خان
۲۱۶	۳- ارزش نگهداری و قیمت اسلحه در ایران
۲۱۷	۴- اعدام خدو و برادرش به دست کلنل
۲۱۷	خدو (خداوردی) که بود؟
۲۱۹	کلنل کیست؟
۲۱۹	نظر کلنل
۲۲۰	اعلام استقلال خراسان توسط کلنل
۲۲۱	نگاهی به تفکرات کلنل
۲۲۲	وضع مملکت در دوره احمدشاه
۲۲۲	یک مقایسه کوتاه بین دو سردار
۲۲۳	استفاده از نیروی کار رایگان

۲۲۴	«بش قارداش»
۲۲۴	بازدید ناصرالدین شاه از بش قارداش
۲۲۶	بش قارداش آرامگاه خانوادگی
۲۲۷	تولیت بش قارداش
۲۲۸	هنر در معماری بش قارداش
۲۲۸	مرمت بش قارداش
۲۲۹	نقشه مهندسی بش قارداش
۲۳۰	روایت روت سردار مخم
۲۳۱	ماندو سملقان دو جلگه زرخیز خراسان شمالی
۲۳۱	اسپاخر رویایی دکل تاریخ
۲۳۲	تپه قلعه خرمقنه روی آن
۲۳۴	اختلاف بجنورد و چابک
۲۳۵	سردار معزز بجنوردی
۲۳۶	نامه جعلی احمدشاه به سردار
۲۳۷	اعدام سردار معزز و ۶ تن همرا
۲۳۸	جان محمدخان بعد از اعدام سردار
۲۳۹	اوضاع بجنورد پس از بازگشت سردار
۲۴۱	محاصره شهر توسط کردها و ترکمن ها
۲۴۲	نظر امیر لشکر شرق درباره سردار معزز
۲۴۳	شورش مراوه تپه
۲۴۴	مسافرت رضاشاه به خراسان
۲۴۵	احداث قبر شهدای بجنورد
۲۴۶	سرتیپ جان محمدخان کیست؟
۲۴۷	اطلاعاتی درباره بجنورد
۲۴۸	زلزله شدید در شمال خراسان
۲۴۸	سال های پایانی عمر سردار و اوایل کار رضاشاه

۲۵۰	بجنورد بعد از قتل سردار
۲۵۰	مأموران دولت در بجنورد
۲۵۱	تقاضای سرهنگ رخشا از مقامات
۲۵۲	تیمورتاش مورد غضب قرار می‌گیرد
۲۵۲	تیمورتاش از خدمت برکنار شد
۲۵۳	توقیف تیمورتاش
۲۵۳	چرا تیمورتاش به زندان افتاد
۲۵۵	اعتبارنامه تیمورتاش
۲۵۶	تیمورتاش کیست؟
۲۵۷	خاتمه محاکمه تیمورتاش و مرگ او
۲۵۷	تیمورتاش و دستور سوری
۲۵۸	غرور بیجای تیمورتاش
۲۶۰	وضعیت تیمورتاش بعد از بازگشت به ایران
۲۶۱	ایران تیمورتاش چه می‌دید
۲۶۲	روستاهای بلوک چناران
۲۶۳	اسفیدان و آوازه آن
۲۶۴	روستای جمی
۲۶۵	معصوم زاده در صحن منزل
۲۶۶	دیدار از روستای جمی
۲۶۶	احزاب سیاسی در بجنورد
۲۶۸	رفتار شادلوها با مردم در سطح شهر
۲۷۰	اصول شهرسازی در ایران
۲۷۱	گسترش شهر توسط شهرداری
۲۷۳	احداث پمپ‌بنزین در بجنورد
۲۷۳	وسعت امروزی شهر و گسترش همه‌روژه آن
۲۷۴	حاجی محمد اسماعیل تاجر بجنوردی

- زندگی یک خانواده کارگر و افراد کم درآمد ۲۷۵
- فرستاده‌های سلیمان خان به تهران ۲۷۶
- افزایش غیرعادی نرخ جمعیت بجنورد ۲۷۷
- تغییرات اساسی در نحوه زندگی مردم ۲۷۷
- نیازهای امروزی مردم ۲۷۹
- تفاوت کشاورزی ایران با اروپا و آمریکا ۲۷۹
- بازگرد زانه مردم با خان‌های شادلو ۲۸۰
- تغییر رفتار شادلوها با مردم ۲۸۱
- نسب سوم سردار معزز ۲۸۲
- حمله‌های متعدد دشمن و مشکلات مردم ۲۸۳
- زبان ترکی و لهجه‌ها و ختلف آن ۲۸۳
- سطح فرهنگ مردم و ادبیت در بجنورد ۲۸۴
- زندگی زناشویی در بجنورد ۲۸۵
- تغییرات در زندگی مردم سهل ۲۸۶
- ماجرای مهندس‌های آمریکایی ۲۸۶

پیش گفتار

در اوایل خردادماه سال ۱۳۹۰ من و همسرم برای دیدار فرزندانمان که در کانادا زندگی می‌کنند به آن کشور مسافرت کردیم. البته تعدادی از همشهریان و خویشاوندان هم در آن جا دیگری می‌کنند. یک شب که با دوستان و همشهری‌ها دور هم جمع بودیم، صحبت به شهرستان بجنورد کشیده شد. دوستان می‌گفتند از وقتی که این شهر به عنوان مرکز استان انتخاب شد، باب‌ها متعددی درباره: جغرافیای اقتصادی، طبیعی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این شهر نوشته است؛ اما متأسفانه درباره تاریخ بجنورد تاکنون چیزی نوشته نشده است. سخن را به طرف بند می‌گردانند و گفتند شما که عمری را در بجنورد گذرانده‌اید و در تمام دوران تدریس و پرورش، تاریخ درس داده‌اید لازم است این مسئولیت اجتماعی را قبول کنید و درباره تاریخ بجنورد کتابی بنویسید تا این کمبود برطرف شود. بنده از ابراز لطف ایشان صمیمانه تشکر کردم و گفتم اگر ما بتوانیم درباره بجنورد کتاب تاریخی جامعی بنویسیم، در شناساندن این شهر که یکی از شهرهای تاریخی ایران است، به این شهر بیشتر از سیصد سال قدمت ندارد، و نتیجه منابع قابل استفاده و قابل استناد در مورد آن بسیار اندک است. ضمناً کتابی هم که درباره این شهر نوشته شده نهایت به زمان یارمحمدخان می‌رسد. درباره تاریخ بجنورد مشکل مانده فراهم نبودن ابزار کار است؛ زیرا تاکنون کسی در این باره تحقیقی صورت نداده است. مطالب باکنده‌ای اگر امروزه بچشم می‌خورد اطلاعاتی است که سینه به سینه نقل شده تا زمان ما رسیده است. یارمحمدخان و پسرش عزیزالله خان از سال ۱۲۸۴ تا ۱۳۴۴ ه. ق. حکمران بجنورد بوده‌اند. مدت ۶۰ سال این دو نفر در بجنورد حکمرانی کرده‌اند. بهر حال آنچه در دوره حکمرانی این دو نفر اتفاق افتاده به زمان ما رسیده است. قبل از یارمحمدخان، اگر اطلاعاتی هم به دست بیاید، ترتیب سنواتی نخواهد داشت، مگر اینکه مورخ با توجه به یافته‌های خود، به آن‌ها نظم بدهد.

حیدرقلی خان در سال ۱۲۸۴ ق. وفات یافت. از آن سال تاکنون حدود ۱۵۰ سال می‌گذرد. بیش‌ترین تاریخ حکام بجنورد به همین ۱۵۰ سال مربوط است که می‌توانیم بگوییم مستند است. خود شهر نیز داستان جداگانه‌ای دارد. در این شهرستان، چهار طایفه زندگی می‌کنند: فارس، ترک، ترکمن و کرد اطلاع از سابقه هر یک از این طایفه‌ها، مجال مطالعه زیادی را می‌طلبد. تا بتوانیم تاریخ جامعی از گذشته این شهر داشته باشیم. کتابخانه آستان قدس رضوی کتابخانه معتبری است که در سطح جهان مطرح است. استفاده از این کتابخانه تخصص ویژه خود را می‌طلبد. برای یافتن کتاب مورد نظر، وقت زیادی باید صرف کرد. تمام این کارهایی است که باید انجام داد تا آنچه مورد نظر است یعنی تدوین تاریخ جامع بجنورد به دست شود طوری که خواننده از خواندن آن لذت ببرد و چیزی از گذشته این شهر دستگیرش گردد.

اما نام این اطلاعات مختصری درباره موقعیت این شهر روی نقشه جغرافیا داشته باشیم. بجنورد در شمال غربی استان خراسان بزرگ واقع است؛ و بارش ۲۵۰ میلی‌متر باران سالانه، باعث شده است که از این وضعیت طبیعی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا مراتع غنی در دامنه‌های جنگلی آن با آب فراوان در ده‌های این شهرستان موقعیت مناسبی برای آن به وجود آورده است. جلگه کوچک که مرکز آن قرار دارد بین ارتفاعات اطراف محصور است. جلگه کوچک شهر از دو قسمت کاملاً مجزا تشکیل شده است. قسمت شمالی شهر را مراتعی غنی پوشانده که مخصوصاً برای چرای گوسفند مناسب است اما قسمت جنوبی آن را زمین‌های خشک در بر گرفته که برای خانه‌سازی و سکونت مناسب داشته است حد فاصل این دو قسمت بلندی‌هایی بوده که اولین خانه‌ها بر روی آن ساخته شدند. قنات‌های متعددی در اطراف شهر، احداث شده بود که آب آن‌ها به طرف شهر سرازیر می‌شدند. در حال حاضر آب اغلب قنات‌ها خشک شده است؛ زیرا صاحبان اصلی آن‌ها وفات یافته و بازماندگان آن‌ها به سبب تغییر وضع زندگی، به لای رویی قنات‌ها نپرداخته‌اند. ضلع غربی بیابان دو چنار و کوچه کاریز در بجنورد به لحاظ داشتن قنات، معروف بوده‌اند. ساکنان محله‌های اطراف آب قنات‌ها برای شستشوی لباس‌ها و ظروف استفاده می‌کردند. برای آب شرب، مردم در منازل خود به حفر چاه آب اقدام می‌کردند. بعدها که رفته‌رفته جمعیت رو به فزونی گذاشت و مردم نیاز بیشتری به آب پیدا کردند همین مقدار آبی که در چاه‌های منازل وجود داشت خشک شد. بعد از خشکی چاه‌های آب منازل، مدت‌ها مردم در مضیقه کم آبی افتادند. دو نفر با ابتکاری که به خرج دادند توانستند آب مورد نیاز مردم را تأمین کنند. آن‌ها چلیک‌های خالی بنزین را با یک

گاری اسبی به صدرآباد می‌بردند آن‌ها را پر می‌کردند و در کوچه‌های شهر می‌گرداندند تا مردم آنچه آب لازم دارند در قبال پرداخت پول آن، مایحتاج خود را تأمین کنند؛ اما باز هم سطح آب‌های تحت‌الارضی پایین تر افتاد. تعدادی از کشاورزان علاقمند و نوگرا تصمیم گرفتند از اعماق زمین آب را بیرون بکشند. حفر چاه‌های عمیق هر سال بیشتر انجام گرفت و هر سال نیز میزان استحصال آب نسبت به سال قبل مشکل تر شد. تا قبل از سال ۱۳۶۰ ه. ش. مسافری که از بجنورد عازم مشهد بود زمین‌های زراعی و باغات را تنها در کنار شهرها می‌دید؛ اما امروزه همین مسافر وقتی همین فاصله را می‌پیماید حتی به اندازه یک کیلومتر زمین خالی و بایر را سر راه خود نمی‌بیند. ازدیاد روزافزون جمعیت باعث شده تمام زمین‌های اطراف شهرها زیر کشت بیاید تا شاید محصولات کشاورزی تولیدی جواب گوی تأمین غذای این جمعیت روزافزون را بدهد. وزمه دو علت در همین جلگه کوچک اطراف شهر، مردم شدیداً به آب نیاز دارند و این عنصر حیاتی همچنان کمیاب است. یکی به علت خشک شدن قنات‌ها و دیگر ازدیاد روزافزون جمعیت.

اما لازم است برای کوتاه کردن زمانی بکنیم که هنوز شهر بجنورد احداث نشده بود. این جلگه کوچک پیرشته طولانی تاریخ مورد توجه بوده به طوری که قبل از احداث بجنورد، دو شهر در همین جلگه کوچک وجود داشته است یکی به نام «چرمغان» و دیگری به نام «کهنه کند» یا «بیژن یورت».

اولین باری که از شهر چرمغان نام می‌آید در کتاب: «حدود العالم من المشرق الی المغرب» است مؤلف این کتاب معلوم نیست نامبرده این شهر را از توابع نیشابور می‌داند. این شهر روی تپه‌های معصوم زاده قرار داشته است هنوز کارهای علمی یا لااقل گمانه‌زنی روی این تپه‌ها انجام نگرفته. در سال ۱۳۴۰ ه. ش. سازمان میراث فرهنگی تأسیس نشده بود. عده‌ای از مردم به کند و کاو روی همین تپه‌ها مشغول بودند. فرماندار بجنورد به کمک ژاندارمری توانست امنیت منطقه را تأمین کند تا دیگر کسی به حفاری ادامه نکند. در کتاب: «مطلع الشمس» راجع به شهر: «کهنه کند» اطلاعاتی ارائه می‌دهد که به نوعی سودمند است اما چرا چرمغان از بین رفت. شهر آباد و صنعتی و پیشرفته چرمغان، با حملات بی‌امان از بین رفت.

تولی‌خان پسر چنگیز فرمان حمله به خراسان را از پدرش دریافت کرد. تولی‌خان از طرف مشرق وارد خراسان امروزی گردید. از ناحیه رادکان عبور کرد. وقتی وارد قوچان شد شروع به جنگ و قتل و غارت نمود. این وضع را تا زمانی که به حدود چرمغان رسید همچنان ادامه داد.

هیچ کدام از آبادی‌های بین راه از دست تولی‌خان و سپاهیان‌ش خلاصی نیافتند. شهر «چرمغان» طوری خراب شد که دیگر قابل مرمت نبود (متولی حقیقی، شهرهای خراسان شمالی). از منقولات سینه به سینه این‌طور استنباط می‌شود که بعد از خرابی «چرمغان» مردم که بیشتر گوسفند چران و صاحب گله‌های بزرگ گوسفند بودند در همین جلگه گرد هم می‌آمدند و راجع به مسائل روز بحث و تبادل نظر می‌کردند. در بین گوسفند داران تعدادی شتردار نیز بودند که بیشتر برای حمل بار، در این منطقه جمع می‌شدند. بعدها گوسفند داران شتر داران از پشم گوسفندها و شترها، چادرهایی بافتند تا داخل چادرها زندگی کنند. تپه‌های مرکزی این جلگه که بعدها «ساربان محله» نام گرفت حد فاصل بین زمین‌های خشک زمین‌های پر آب قرار داشته شمال این بلندی‌ها را مراتع زیادی پوشانده بود که تقریباً روی آب قرار داشتند. جنوب تپه‌ها زمین‌های خشکی بودند که می‌شد در آن زمین‌ها خانه‌سازی کرد. به این دلیل وقتی که اولین خانه‌ها روی همین بلندی‌ها ساخته شد شهر تدریجاً به طرف جنوب گسترش یافت. به مرور تصمیم گرفتند که برای خود در همین جلگه خانه‌هایی بسازند. بعد از خرابی «چرمغان» مردم در همان جلگه، شهر کوچکی ساختند به نام «بیژن پورت». شهر بیژن پورت در شمال شرقی شهر فعلی در همین جلگه ساخته شد؛ اما این شهر نیز بعد از مدتی بر اثر زلزله ویران شد. «بیژن پورت» چه مدت دوام آورد و کی بر اثر زلزله ویران شد اطلاعی نداریم فقط از روی قیاس که سینه به سینه نقل شده تا بزمان ما رسیده می‌دانیم که بعد از خرابی شهر «بیژن پورت» مردم خانه‌هایی روی بلندی‌های همان جلگه ساختند. ساربان محله می‌توانست خانه‌های آن‌ها را با آسیب آب‌های سطح الارضی جلگه محفوظ نگه دارد. به مرور ایام خانه‌هایی ساخته شد به سمت یک آبادی نسبتاً بزرگی درآمد؛ اما نمی‌دانیم اسم این آبادی چه بوده است ساختن آبادی به‌طور کلی که از منقولات به ما رسیده خیلی قبل از آمدن ترک‌ها و ترک‌ها بوده است یعنی قبل از نام «بوزنجر» که اسم قبلی شهر ترک‌ها در ناحیه شرق ترکیه فعلی و ارتفاعات آرات بود. این شهر داده نشده بود زیرا بعد از آمدنشان به این منطقه بود که همان نام را برای شهرشان انتخاب کردند. در نتیجه اگر اسمی هم داشته است ما نمی‌دانیم. وقتی که ترک‌ها از ناحیه قفقاز به این ناحیه کرمانج‌ها به این منطقه آمدند نام شهر خودشان را «بوزنجر» گذاشتند؛ زیرا قبل از هم در ناحیه قفقاز اسم شهرشان «بوزنجر» بود. مدت‌ها در کتاب‌های تاریخی همین نام نوشته می‌شد. تا

¹-گویا اسم این شهر «بیجین پورت» بوده است.

اینکه کم کم این کلمه به «بجنورد» تغییر یافت. در همین جا لازم است در مورد وجه تسمیه بجنورد مطلبی عنوان شود.

مردانی لغت‌شناس معروف ترک‌های قشقای، اخیراً شروع به تحقیقاتی درباره ریشه برخی کلمات ترکی نموده است. او معتقد است: روی آب‌های راکد حشره کوچکی دائم در حال دویدن است این حشره را ترک‌ها «بیجین» می‌گویند. در جلگه کوچک بجنورد، از زمان‌های قدیم آب‌های راکد فراوان بوده است. لذا روی همین مانداب‌ها، حشره کوچک «بیجین» زندگی می‌کرد در نتیجه به سرزمینی که مردم کنار همین بیجین‌ها می‌زیستند گفتند «بیجین یورد» (سرزمین بیجین). در گذشت زمان، مردم این کلمه را به صورت «بیژن» تلفظ کرده باشند البته تغییر شکل کلمات از یک صورت به یک صورت دیگر در تمام زبان‌ها دیده می‌شود یعنی منحصر به این ناحیه نیست.

www.ketab.ir